

شصتمین جلسه

شرح و تفسیر صحیفه سجادیه

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



دعای بیست و چهارم

۱۳۹۳/۰۶/۱۷

## فهرست

- نقش ویژه امام رضا (علیه السلام) در عالم
- اعتراف به عجز در مقام شکر
- یک خواسته‌ی متناقض‌نما
- اطاعت از والدین باید عاشقانه باشد
- شهدای هفدهم شهریور، پیشگامان انقلاب
- یادی از ابوذر انقلاب

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### نقش ویژه امام رضا (علیه السلام) در عالم

به همهی برادران و خواهران عزیزم، آیام پر برکت ولادت باسعادت مولایمان حضرت علی بن موسی الرضا (عَلَيْهِ آلاَفُ التَّحِيَّةِ وَالتَّنَا) را تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی همهی ما را از برکات این آیام بهره‌مند کند. هیچ رضا و خشنودی در این عالم اتفاق نمی‌افتد، مگر به وساطت حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام). این نقش ویژه‌ای است که این امام بزرگ، بدون استثنا در همهی جهات مادی و معنوی دارند؛ چه بدانیم و چه ندانیم، چه توجه داشته باشیم و چه نداشته باشیم. هیچ رضایی در این عالم، جزئی، کلی، شخصی، جمعی، در مناسبات، در موقیّت‌ها و در کامیابی‌ها فراهم نمی‌شود، مگر به وساطت و عنایت حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام). استاد عالیقدر و عزیزمان، حضرت آیت الله جوادی آملی (حَفَظَ اللهُ تَعَالَى) به مناسبتی این نکته را به طور ویژه تبیین و تفسیر کردند که این مطلب، مطلب عالی‌ای است. این نکته‌ی اول.

در کنار این مسئله، بحث جاری ما است که انسان بتواند در دنیا از رهگذر تحصیل خشنودی پدر و مادر، به خشنودی خدای متعال برسد. تمام حرف دعای بیست و چهارم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه این است که رضایت پدر و مادر، سهم بسیار بزرگی در تحصیل رضای الهی دارد.

اگر نکته‌ی اوّل را به نکته‌ی دوم ضمیمه کنید، معلوم می‌شود که چنانچه ما بخواهیم حقیقتاً رضایت پدر و مادر را برای خودمان فراهم کنیم، راهش این است که از حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) کمک بگیریم. این، بهترین، نزدیک‌ترین و شیرین‌ترین راه برای دوستان حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است. یقیناً و بدون هیچ شک و تردیدی، این یک فرصت بسیار ارزشمند است که تحصیل رضای پدر و مادر را که نقش استثنایی در تحصیل رضای خدای متعال دارد، به درگاه کسی ببریم که وساطت او تأمین‌کننده‌ی همه‌ی خشنودی‌ها است و در تحصیل این جایگاه عظیم، از آن حضرت کمک ویژه بخواهیم. ان‌شاءالله به مدد حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) ما و شما در تحصیل رضایت پدر و مادر و به تبع آن، خشنودی خدای متعال موفق باشیم.

### اعتراف به عجز در مقام شکر

مطالب دعای بیست و چهارم، مطلب خیلی شیرین و رفیع و سطحش خیلی بالا و توجه به آن خیلی راهگشا است.

درباره‌ی پدر و مادر، آیه کریمه «أَنْ اشْكُرْ لِي وَاوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ شکرگزارِ من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است» را از زوایای مختلف شرح و تفسیر کردیم. اما امروز از زاویه‌ای به آن توجه پیدا می‌کنیم که هم خیلی شیرین است و هم تکان‌دهنده.

تا ما مسئله‌ی شکر پروردگار متعال را مطرح می‌کنیم، بر اساس رهنمون قرآن کریم و بیان اولیاء خدا، چیزی که به آن می‌رسیم، عبارت است از عجز. مسئله این است. تمام مطالب صحیفه‌ی مبارکه سجادیّه درباره‌ی شکر و «مناجاتُ الشَّاكرين» که از امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) نقل شده و همچنین سایر کلمات اولیاء خدا در این باره، ذیل این آیه قرار می‌گیرد: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا؛<sup>۱</sup> و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید، آن را نمی‌توانید بشمارید». نمی‌توانیم نعمت‌های خدا را بشماریم، تا چه رسد بخواهیم شکر آنها را به جا آوریم. لطیفه و نکته این آیه این است که به فرض شکر خداوند را هم به جا آوردیم، هر مرحله‌ای از شکر مستلزم شکری است؛ پس هیچ‌گاه نمی‌توانیم شکر خداوند را به طور کامل به جا آوریم. به این ترتیب در همان قدم اول به عجز اعتراف می‌کنیم و این حالت است که در پیشگاه خدای متعال مطلوب است.

۱. لقمان: ۱۴.

۲. نحل: ۱۸.

در آیه نورانی «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» خداوند با یک فعل، امر به شکر می‌کند. یعنی نفرمود: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ أَنْ اشْكُرْ لِوَالِدَيْكَ»، وظیفه‌ی شکر را تفکیک نکرد. یعنی همان‌طور که در مقام شکر در بارگاه الهی به عجز می‌رسید، در ارتباط با پدر و مادر نیز همین قاعده برقرار است و انسان به عجز می‌رسد و می‌بیند از او کاری ساخته نیست. گاهی تصوّر و خیال می‌کند توانسته از پدر و مادر قدرشناسی کند؛ اما با بررسی بیشتر، درمی‌یابد که نتوانسته از آنان قدردانی کند.

شخصی نزد پیامبر اکرم (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) آمد و گفت: من هر کاری که می‌توانستم، درباره‌ی پدر و مادرم انجام دادم. الان به سنّ پیری رسیده‌اند، من همان کارهایی که آنها در بچگی برای من انجام می‌دادند، برایشان انجام می‌دهم. آیا وظیفه‌ام را در قبال آنان انجام داده‌ام؟ حضرت فرمودند: نه. آنها این کارها را انجام می‌دادند با این جهت‌گیری قلبی که تو بمانی؛ اما تو انجام می‌دهی به این امید که آنها بمیرند و راحت شوی. این نکته بسیار دقیقی است که گاهی به آن توجه نداریم.

بر مبنای آیه «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» وظیفه شما شکر است؛ اما وقتی مشغول انجام وظیفه می‌شوید، در مقام شکر به عجز می‌رسید و می‌بینید که از شما کاری ساخته نیست. هر چه درباره‌ی پدر و مادر انجام دهیم و حتی بالاتر از توان خود به آنان خدمت کنیم، بازهم حق آنان را ادا نکرده‌ایم.

امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) ما را راهنمایی کردند و فرمودند که درباره‌ی این مسئله، فقط و فقط باید دست به دامن حضرت حق باشی. به‌تنهایی نمی‌توانیم از عهده‌ی شکر پدر و

مادر برآییم. پس از درگاه خدای متعال بخواهیم که علمش را به ما الهام کند و توفیق عمل به آن را هم به ما بدهد.

## یک خواسته‌ی متناقض‌نما

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ»، این عبارت بسیار تکان‌دهنده، تفسیر عرشی و متفاوت این آیه است: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» در اینجا از خداوند می‌خواهیم که ما را در ارتباط با پدر و مادرمان، در وضعیتی قرار دهد که در نگاه اول، به قول امروزی‌ها، تناقض‌نما و پارادوکسیکال است. آن وضعیتی این است که من از آنها حساب ببرم و بترسم، آن‌گونه که یک شخص ضعیف از یک سلطان ستمگر می‌ترسد. انسان به طور معمول از سلطان می‌ترسد، اگر «عسوف» هم باشد، یعنی اهل رعایت مرز و حدی درباره‌ی رعیت و زیردست خودش نباشد، ترس انسان بیشتر می‌شود.

این یک طرف مسئله است. طرف دوم چیست؟ «وَأَبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ» در اینجا بین «عسوف» و «رءوف» جناس رعایت شده است. به آنها خدمتگزاری و نیکی کنم؛ اما با چه کیفیتی؟ آن‌گونه که یک مادرِ مهربان به فرزندش نیکی می‌کند. مادر یعنی مهربانی؛ ولی حضرت به این اسم اکتفا نکرده، از خدا می‌خواهد در خدمت به والدینش همانند مادری باشد که پرستاری و مراقبت و اعمال محبت و رأفت به فرزندش را به نهایت خود می‌رساند. «رئوف» در جایی گفته می‌شود که جزئیات چیزهایی که شخص به آن نیازمند است، مدنظر قرار دهی و آنها را عاشقانه و ناصحانه انجام دهی. رأفت جنس

خاصی از رحمت است و هر رحمتی رأفت نیست. آنجایی که مهربانی با ریزه‌کاری، جزئیات و پیگیری همراه است، می‌شود رأفت. اگر بخواهیم مثال بزنیم، رفتاری است که یک مادر عاشق درباره‌ی فرزندش انجام می‌دهد. چنین مادری آرزوها، خواسته‌ها، علایق، آمیال، دل‌بستگی‌ها، کشش‌ها و تمایلات فرزندش را با تمام جزئیاتش در ذهن خودش فهرست می‌کند و در رسیدگی به فرزند، نه فقط مصالح فرزند، بلکه تمایلات او را هم مدنظر قرار می‌دهد و هیچ چیزی را از قلم نمی‌اندازد. این می‌شود «أُمَّ رُؤُوفٍ». مادر مهربان حتی منتظر نمی‌شود فرزندش خواسته‌ها و توقعاتش را بر زبان جاری سازد؛ بلکه مبادی میل او را در رفتارهای خودش لحاظ می‌کند.

امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) تکلیف ما را مشخص می‌کنند. حال ما در برابر والدین باید به‌گونه‌ای باشد که از یک طرف از پدر و مادر بترسیم و حساب ببریم، آن‌گونه که رعیتی از یک پادشاه ستمگر حساب می‌برد و می‌ترسد. از سوی دیگر، درباره‌ی آنها خدمتگزار و نیکوکار باشیم، آن‌گونه که یک مادر مهربان درباره‌ی فرزندش نیکوکاری می‌کند. اولی اضافه‌ی به مفعول است، دومی اضافه‌ی به فاعل که با فضای این دعا، کاملاً هماهنگ است.

آیا حضرت به این مقدار اکتفا کردند؟ نه، بلکه فراتر رفتند. آن چیزی که از نظر خدای متعال در تبیین ولیّ الهی، در نسبت شما با پدر و مادر پسندیده است این است که انسان حقیقتاً از آنها حساب ببرد و به آنها مهرورزی کند.



ظاهراً این تناقض نما است؛ اما در واقع هشدار است. مواظب باشید رابطه‌ی مهربانانه و صمیمانه‌ی آنها با شما، شما را از نکته‌ی اول دور نکند. گاهی انسان در فضایی که پدر و مادر برایش باز می‌کنند، رابطه‌اش با پدر و مادر عادی می‌شود. مواظب باش رابطه‌ات عادی نشود و حشمت آنها همیشه در دلت باقی بماند. انسان باید در برابر پدر و مادر مؤدب، حساب‌بر، ترسان و لرزان باشد؛ هرچند آنها در قلّه‌ی محبت و عاطفه و صمیمیت باشند. اگر غیر از این باشد، انسان از چشم خدای متعال می‌افتد. دراز کردن پا جلوی پدر و مادر، پیشی گرفتن از آنها در راه رفتن و رفتارهایی از این قبیل، انسان را از چشم خدای متعال می‌اندازد. متأسفانه اخیراً باب شده که به اسم ساده‌سازی و صمیمی‌سازی روابط، پدر و مادر را به اسم صدا می‌کنند. مشخص نیست این رفتارها که در تضاد آشکار با اسلام است، از کجا وارد فرهنگ ما شده است؟

امام سجّاد (علیه السلام) می‌فرماید: «اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ»، آیا انسان جلوی یک پادشاه ستمگر خونخوار، این‌طور رفتار می‌کند؟ نه؛ می‌لرزد، می‌ترسد، حساب می‌برد، پا می‌کوبد، به طاعت می‌ایستند، تا زمانی که اجازه ندهد، امکان ندارد انسان بنشیند. باید جلوی پدر و مادر این‌طور بود و از این دایره خارج نشد. این سمت مفعولی قصّه است. اما سمت فاعلی‌اش که مثالش «أَمْ رَعُوفٍ» است، نسبت به آنها چنین حالی را داشته باشیم: ویژگی‌های آنها، حال آنها، خواسته‌های آنها، آرزوهای آنها، علایق و حساسیت آنها را با تمام جزئیاتش مدنظر بگیریم و لحاظ کنیم.

از اولی اطاعت درست می شود و از دومی بر. از آن هیبت طاعت درست می شود که انسان مطیع کامل است و از رأفت بر درست می شود که انسان دائماً در مقام بر و نیکی و خیر و احسان به پدر و مادر است.

### اطاعت از والدین باید عاشقانه باشد

امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) این مقدار را کافی نمی دانند. حالت اول ما را به طاعت در برابر پدر و مادر وادار می کند؛ اما ممکن است انسان از سر ناچاری از آنها اطاعت کند؛ مثلاً از هیبتشان بترسد و به این خاطر دستورهای آنان را اجرا کند.

ممکن است انسان انواع و اقسام خدمت ها را نسبت به پدر و مادر انجام بدهد؛ ولی از روی ناچاری. ممکن است این را به زبان هم جاری نکند، ولی در دلش این خدمت و اطاعت برایش شیرین و گوارا نباشد و تلخ باشد. این حالت، حالت نامطلوبی است. حضرت می فرمایند: «وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ» نفرمود: «لَهُمَا» تا اهمیت مسئله کاملاً واضح باشد. حضرت تأکید می کنند که: «وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا» اطاعت مرا نسبت به پدر و مادرم چگونه قرار بده؟ «أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْتَانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِي مِنْ شَرِبَةِ الظَّمَانِ» از چرتی که یک آدم خواب زده به آن می رسد، برای من شیرین تر و گوارا تر باشد. چنین احساسی باعث می شود وقتی انسان در مقام طاعت قرار گیرد و هیبت پدر و مادر انسان را فرا گیرد، اطاعت والدین برایش سنگین نباشد.

آدمی که خیلی خوابش می‌آید، مثلاً چند شب نخوابیده باشد، چنانچه یک فرصت نیم ساعته یا چهل دقیقه‌ای برایش پیش آید که چرتی بزند، آن چرت برایش بسیار شیرین خواهد بود. حتی با یادآوری‌اش انسان ابتهاج پیدا می‌کند. حضرت می‌فرمایند اطاعت من از پدر و مادرم مثل خواب سبک برای یک انسان خواب‌زده، گوارا و شیرین باشد. «وَسَنَانٌ» از «سَنَّةٌ» است که در آیهٔ الکرسی درباره‌ی خدای متعال می‌گوییم که او چرت هم ندارد. گاهی چرت از خود خواب خیلی شیرین‌تر است. در اینجا از خدا می‌خواهیم که اطاعت از والدین را برای ما شیرین‌تر از چرت قرار دهد.

«وَ أَتْلِحَ لِصَدْرِي» وقتی به آنها بر، نیکوکاری و خدمتی می‌کنم یا وظیفه‌ای را که دارم انجام می‌دهم، این خدمت‌گزاری و انجام وظیفه، در وجود و قلب من گواراتر باشد از وقتی که در اوج تشنگی، آب سرد گوارا یا شربت شیرین خنک می‌نوشم.

«حَتَّىٰ أُوْتِرَ عَلَىٰ هَوَايَ هَوَاهُمَا»، این ویژگی و عنایتی که تو به من می‌کنی، مرا به جایی برساند که رضایت، خواسته‌ها و میل آنها را بر میل و رضایت خودم ترجیح دهم و مقدم بدارم: «وَ أَقْدَمَ عَلَىٰ رِضَايَ رِضَاهُمَا».

«وَ أَسْتَكْتَرُ بِهِمَا بِي وَ إِنِّ قَلٌّ» حال من به گونه‌ای باشد که اگر از طرف آنها کوچک‌ترین محبت، خدمت و نیکی درباره‌ی من صورت گرفت، آن را خیلی زیاد بدانم. «وَ أَسْتَقِلُّ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنِّ كَثُرٌ» اما از سمت خودم هر چه درباره‌ی آنها خدمت کرده باشم، به نظرم خیلی کم بیاید.

دعای بیست و چهارم، بهترین گواه بر این ادعا است که: «صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه ترجمه‌ی عرش‌ی قرآن کریم است». فقرات این دعا، شرح، تفسیر و تبیین آیه «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» است؛ آن‌هم با یک بیان کاملاً متفاوت و در مقام درخواست و دعا از خدای متعال.

### شهدای هفدهم شهریور، پیشگامان انقلاب

با توجه به اینکه در شهریورماه قرار داریم، مناسب است که یادی از شهدای هفده شهریور داشته باشیم. شهدای عزیز هفدهم شهریور، در بنیان‌گذاری این نهضت عظیم و بزرگ، جزء «السَّابِقُونَ» هستند و حقّ بزرگی بر ملت ما دارند. آنها جزء کسانی محسوب می‌شوند که راه را باز کردند و جوّ خفقان را شکستند. به روان پاکشان درود می‌فرستیم. از آنجا که از ادای حق آنان ناتوان هستیم، از خدای متعال می‌خواهیم که به آنها بهترین پاداش‌ها را کرامت کند.

### یادی از ابوذر انقلاب

نوزدهم شهریور، روز رحلت مرحوم آیت الله طالقانی است. به روان پاک این مرد بزرگ هم درود می‌فرستیم که او هم جزء «السَّابِقُونَ» بود و در شرایط سخت و دشوار، امام عزیز را یاری کرد. خدا ایشان را رحمت کند و از جمع ما بهترین پاداش را به روح این مرد بزرگ برساند؛ ان شاء الله.

خدای متعال را به حقّ حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) سوگند می‌دهیم رهبر عزیزتر از جانمان را برای ما حفظ کنند و به ایشان سلامت و عافیت بدهد. امروز صبح کسی را دیدم که حال خاصی داشت. می‌گفت: ما هیچ تصوّر دیگری نداریم جز اینکه با ایشان به محضر امام عصر (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام وَ عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) برسیم. امیدواریم چنین باشد؛ ان‌شاءالله.

خدایا تو را به حقّ امام سجّاد و به حقیقتش و به حقّ حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) و حقیقت آن حضرت، قسم می‌دهیم دعای بیست و چهارم صحیفه را درباره‌ی همه‌ی ما و پدر و مادرهای ما مستجاب بفرما.